

گلایه‌ای که به شور تبدیل شد



صوفیا نصرالهی

روزنامه‌نگار

ستون امروز قرار بود عصبانی و گلایه‌مند باشد. حتی به تیتزش فکر کرده بودم در این مایه‌ها که: «یادتان رفت ما چه مردم خوبی هستیم». خبرهایی از گوشه و کنار به گوش می‌رسد که آدمیزاد در دمشق می‌کند. آن هم وقتی جهان بیرون مثل گرگی در کمین‌مان نشست، داخل خانه، وسط مرزهای این گربه، بعد از گذراندن یک جنگ کنار یکدیگر توقع نداریم خبر بد داخلی به گوش‌مان برسد. البته که می‌دانستیم یکی، دو ماه بعد احتمالاً مسئولان یادشان می‌رود که ما فریب دشمن خارجی را نخوردیم. که در خانه ماندیم و در حمایت از خانه در همان شبکه‌های مجازی که فیلتر کرده بودید، با اینترنتی که نداشتیم، از ایران دفاع کردیم. ولی خب این یادآوری را عقب می‌اندازیم به حرمت هنر که باعث شد روحیه‌ام برگردد، اخلاقم خوش شود و امیدوارم اصلاً تا هفته‌ی آینده نیاز به یادآوری برطرف شود!

رویدادی که باعث‌شده این ستون از گلایه تبدیل به شور شود، اولین فیلم-کسرت «ارباب حلقه‌ها» در ایران است که من به سومین سانس و دومین شب اجرایش رسیدم. قبل‌تر همین گروه در همین سالن همایش اسپیناس پالاس با «هری پاتر» این اجراها را شروع کرده بودند که به‌خصوص برای نوجوانان و طرفداران هری پاتر، تجربه‌ی محشری بود چون بیرون از سالن هم جادوی هاگوارتز و عناصر بصری کتاب و فیلم را بازسازی کرده بودند و به آدم‌ها اجازه می‌دادند فراتر از یک کسرت صرف یا تماشای بخش‌هایی از یک فیلم، به شیوه‌ی سرگرم‌کننده‌ی کشورهای جهان اول، یک تجربه‌ی سرگرمی تمام‌عیار داشته باشند. آن اجرا قابل تقدیر بود به‌خاطر رقم‌زدن آن تجربه، ولی راست‌اش به چند دلیل طرفدارش نبودم.

مهم‌تر از همه آنکه، نه فیلم‌ها و نه موسیقی «هری پاتر»، چنگی به دل نمی‌زند اما «ارباب حلقه‌ها» یک تجربه‌ی هنری-سرگرمی تمام‌عیار بود. این بار به‌شکل استادانه‌ای از اول تا آخر داستان سه فیلم را برش زده بودند و روایتی کوتاه از آن افسانه‌ی بی‌نظیر تالکین ارائه دادند که خودش نقشه‌ی راه مشخصی داشت. بعد هم خب موسیقی کار آقای هاوارد شور است. قطعات فیلم به فراخور جهان آقای تالکین، شیرین و بازگو، سرخوش، حماسی، تارک و مبهم‌اند. یک ارکستر ۱۰۰ نفره‌ی کامل روی سن جلوی آن پرده‌ی بزرگ کشیدند و تمام آن قصه و ماجراها برایتان زنده‌تر می‌شود. آن سانس در خشان پایان همراه با موسیقی، بعد از این‌همه سال، باز هم تکلم داد. بخشی به‌خاطر فیلم و موسیقی و بخشی دیگر چون یک تجربه‌ی جمعی بود از ۲۵۰۰ نفر در یک سالن که با دهان نیمباز به روبه‌رو زده بودند، غرق شگفتی و خوشی. این تجربه‌ی جمعی آن چیزی است که به آن نیاز داریم و متأسفانه اگر همین تلاش‌های بخش خصوصی هم نباشد، که بعد از ۲۰ سال در کار فرهنگی بودن می‌دانم که نه تنها حمایت نمی‌شوند که دائم از جهات مختلف، سنگ هم جلوی پایشان انداخته می‌شود، هیچ تلاشی برای لذت جمعی مردم با برنامه‌های شیک، حسایی و باسلیقه صورت نمی‌گیرد. آن مناسبت‌های هرازگاهی هم عموماً بی‌سلیقه و به بدترین شکل اجرا می‌شوند. من اگر جای مسئولان مملکت بودم، به‌جای یک سری بیلورد زشت در سطح شهر، برمی‌داشتم لاف‌لاف پوستر همین فیلم-کسرت را که یک حلقه‌ی طلایی ساده است که از قصه‌ی عمیق تالکین آمده، می‌زدم. تبلیغی برای اینکه مردم بدانند یک اتفاق شبیه آنچه در کشورهای دیگر هر ماه برگزار می‌شود، اینجا هم داریم و لاف‌لاف دوساعت از همه‌ی خبرهای بد‌دور شوند و تلفیق هنر و سرگرمی نجات‌شان دهد.

فکر نمی‌کردم در این حال و اوضاع، دیگر رویداد هنری و سرگرم‌کننده، احساساتی‌ام کند اما حالا می‌فهمم که شیوه‌ی تجربه، اهمیت پیدا کرده. ما برای حفظ سلامت روان‌مان این نیاز داریم که سرگرمی و هنر را در کنار دیگری تجربه کنیم چون به‌وحدت در حد هم قبلیه هم شده، نیازمندیم. سالن تارک سینما الان مهم است. سالن‌های تئاتر و کسرت بیشتر از هروقت دیگری اهمیت دارند. البته مخاطب که این را می‌داند. حداقل بگذارد این یکی را به مسئولان یادآوری کنم.



۱۶ ساعت 24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریم‌اسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



کدام جریان؟ کدام تاریخ؟

انتظارات رئیس صداوسیما از تاثیرگذاری بین‌المللی سریال موسی کلیم الله به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا زیاد خوش بینانه است



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

۲۹ شهریورماه ۱۴۰۴، با حضور پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما در لوکیشن سریال «موسی کلیم‌الله» آکار تولید این مجموعه پنج‌فصلی، بعد از ده‌ها انتظار آغاز شد. جبلی در این دیدار، شروع تولید این سریال «الف» در «این لحظه تاریخی» را موردتوجه قرار داد و اظهار امیدواری کرد که حاصل کار ابراهیم حاتمی کیا که قرار است با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و هوش مصنوعی ساخته شود، تولیدی در تراز جهانی از آب درآید، امکان نمایش آن در عرصه سینماها و جشنواره‌های بزرگ جهانی فراهم شود و متعاقب آن، جریان تاریخی در جهان شکل بگیرد. آنچه در ذهن جبلی دراین‌زمینه می‌گذرد، البته منحصر به او نیست و طرفدارانی جدی دارد که توثیتی که یکی از کاربران پس از اکران فیلم «موسی کلیم‌الله» نوشته بود، شرح موجز آن است: «چقدر فرعون در فیلم موسی همان نتانیاهو بود و چقدر مصر آن‌زمان شبیه فلسطین این زمان! ##موسی_کلیم‌الله در بهترین زمان به جشنواره آمد و تمثیلی شد از ظلم الان بنی اسرائیل به فلسطینیان اما وعده حتمی، تولد منجی است.»

▼ داستان برآورد بودجه سریال موسی

ساخت سریالی درباره حضرت موسی، البته خود داستانی مفصل دارد. نخست قرار بود فرعون الله سلحشور که ساخت سریال‌هایی چون «مردان آنجلس» و «یوسف پیامبر» را در کارنامه خود داشت، این سریال را نیز کارگردانی کند. مرگ او در اسفندماه ۱۳۹۴ اما این پروژه را ناتمام گذاشت. بعد از مرگ سلحشور، فرزندش از این گفت که برآورد ساخت این سریال ۲۵۰ میلیارد تومان بوده است. او استدلال کرد که وقتی بودجه ساخت فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله» ۱۵۰ میلیارد تومان شده است، بالطبع ساخت یک سریال، هزینه بیشتری برمی‌دارد. چنین رقمی البته با مخالفت برخی مسئولان ناظر سازمان مواجه شد که رقم معقول تولید این سریال را حدود ۲۲ میلیارد تومان می‌دانستند.

کارگردان بعدی موردنظر برای این سریال، جمال شورجه بود که مرگ سلحشور را «تور بولوزیک» دانسته بود. او برای تهیه بودجه سریال، مدتی تلاش کرد سرمایه‌گذاری خارج از سازمان بیابد اما به‌جایی نرسید. درنهایت سازمان با بودجه ۱۹۷ میلیاردی برای «موسی» موافقت کرد. بعد از مدتی، اما بیماری گریبان شورجه را نیز گرفت و او ناچار به کناره‌گیری از این پروژه شد. در همان‌زمان البته بودجه ۲۶۰ میلیاردی نیز برای سریال «سلمان فارسی» با کارگردانی داود میرباقری تصویب شد. این درحالی بود که میرباقر، «مختارنامه» را با بودجه‌ای دو میلیاردی مصوب کرده بود، اما درنهایت با ۲۴ میلیارد آن را بسته بود. چنین اختلاف‌فاحشی بین برآورد اولیه و هزینه‌نهایی، امری عجیب برای افراد آگاه در این حوزه نبود؛ چنانکه برخی از این سخن می‌گویند که هزینه‌نهایی ساخت سریال‌های «الف»، «حداقل سه‌برابر برآورد اولیه است. همین اتفاق برای هر دو سریال «موسی» و «سلمان فارسی» نیز رخ داد: آن‌هم با افزایش بسیار فاحش، نسبت به برآورد اولیه به‌نحوی که در سال ۱۴۰۱، محمدرضا میرتاج‌الدینی نایب‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اعلام کرد که هرکدام از این سریال‌ها، دوهزار میلیارد بودجه‌می‌خواهند.

▼ ۱۰ هزار میلیارد تومان هم بعید نیست

وقتی در عرض کمتر از نیم‌دهه، برآورد ساخت سریالی قریب به ۱۰ برابر افزایش می‌یابد، آنگاه دیگر نمی‌توان تخمین برخی ناظران را مبنی بر اینکه این کار درنهایت با هزینه‌ای ۱۰ هزار میلیارد تومانی ساخته خواهد شد، کاملاً مردود شمرد. این البته کاری است که محمود رضوی، تهیه‌کننده سریال

«موسی»، سه‌سال پیش انجام داد و در توثیتی نوشت: «حاکمی، مردی را به هزار ضربه شلاق محکوم کرد. مرد گفت: ای حاکم، یا شلاق نخورده‌ای یا هزار نمی‌دانی چقدر است! حالا داستان همین است یا سریال نساختید یا ۱۰ هزار میلیارد نمی‌دانید چقدر است! شما که می‌خواستید دروغ بگید، لاف‌لاف ۱۰ هزار میلیارد دلار می‌گفتید که باکالاس باشه و بتونید فحش ابدارتر بدید!» رضوی خود نیز البته سابقه‌ای در ساخت سریال «الف» ندارد، در میانه این پروژه بدان اضافه شده و احتمالاً حدس نمی‌زده که در همین فاصله کمتر از سه‌سال، دلار از ۴۲ هزار تومان به ۱۰۲ هزار تومان برسد. بر اینها بیفزایید این نکته اساسی را که اینجا با کارگردانی با جاه‌طلبی‌های خاص خود مواجهیم که هر چقدر در حوزه سینما پرکار بوده، در سریال‌سازی کم‌کار بوده، فقط دو سریال «خاک سرخ» و «حلقه سبز» را ساخته و بعد از ساخت دومی، خودش نیز اذعان کرده که به‌خلبانی می‌ماند که ۹۰ دقیقه‌می‌تواند ببرد، توانایی پرواز بلندمدت را ندارد و «سریال‌ساز» نیست. او حالا با سریالی روبه‌روست که فصل اول آن ۱۸ ماه طول می‌کشد و بازتوئسی فیلمنامه‌اش را نیز حاتمی کیا از چندسال پیش شروع کرده بود. بااین‌همه شاید آنچه حاتمی کیایی را که زمانی در یک‌سال، دو فیلم هم ساخته بود، به انجام چنین پروژه ماراتن‌گونه‌ای خوشبین کند، تجربه ساخت فیلم «موسی کلیم‌الله» باشد که تولید آن بیش از چهار سال زمان برد.

▼ اما و اگرهای موفقیت در اکران جهانی

ماجرای ساخت و اکران فیلم «موسی کلیم‌الله» و انواع نقدهایی که بدان وارد شد، البته سویه‌های نقادانه دیگری را نیز می‌تواند پیش روی ما آورد. یکی از آنها، تردید در آن انتظاری است که رئیس صداوسیما از جریان‌سازی تاریخی این سریال مدنظر دارد. این البته واقعیتی است که نه‌فقط موسی که شاید هیچ‌کدام از سریال‌های عظیم ایرانی نیز امکان آن را باتوجه به وضعیت کلی ارتباطات بین‌المللی ایران و تاثیر اندک رسانه‌های ایرانی در این‌زمینه نداشته باشند. البته شاید در منطقه، اوضاع متفاوت باشد چنانکه «مختارنامه» چندین بار و به مناسبت‌های مختلف، از تلویزیون کشورهایمانند پاکستان، ترکیه، لبنان، عراق، سوریه، امارات‌متحد عربی و حتی عربستان تماشاشد. زمانی نیز محمدعلی انوشه، مدیر هفتمین بازار فیلم کشورهای اسلامی، از پخش سریال تلویزیونی «یوسف پیامبر» در ۹۰ کشور جهان خبر داده بود و میزان تماشاشگانش را نزدیک به چهار میلیارد نفر برآورد کرده بود.

در کنار این امیدواری‌ها، تجربه فیلم «محمد رسول‌الله» مجید مجیدی نیز پیش روی ماست: پرهزینه‌ترین و بزرگترین پروژه فیلمسازی تاریخ سینمای ایران که قریب به ۲۱ میلیون دلار (۶۲ میلیارد تومان) خرج برداشت اما در گیشه ایران ۱۵ میلیارد تومان نیز نفروخت و اکران بین‌المللی آن با وجود تمام حمایت‌های دولتی و حتی استفاده از عوامل سرشناس بین‌المللی در ساخت و تولید آن، نومیدکننده بود. نخست اکران فیلم در ترکیه که قرار بود در ۳۲۰ سالن باشد، میسر نشد، سپس با مخالفت دانشگاه الزهر مصر، برخی کشورهای عربی هم با نمایش این فیلم مخالفت کردند. از اکران فیلم در کشور هند با جمعیت ۳۰۰ میلیونی مسلمانان نیز به‌علت فتاوی صادره علیه فیلم، جلوگیری به‌عمل آمد.

با این تفاسیر معلوم نیست جبلی چگونه به جریان‌سازی تاریخی سریالی می‌اندیشد که به‌زعم او و برخی دیگر، قرار است در جهانی که نقش لایه‌های یهودی در رسانه‌های آن را نباید ناچیز پنداشت، پته صهیونیسم را روی آب بریزد؛ البته، نه همه یهودیان جهان طرفدار اسرائیل‌اند، نه همه رسانه‌های جهان در اختیار یهودیان، اما به‌هرروی وقتی اکران فیلمی درباره حضرت محمد در کشورهای اسلامی نیز با موانعی روبه‌رو می‌شود، نمی‌توان خوش‌خیالی پیشه کرد و گمان برد آتری که حتی در نسخه سینمایی‌اش، در ایران ۹۰ میلیونی که سریال‌های ترکی و کره‌ای کلی طرفدار دارد، یک‌میلیون مخاطب جذب نکرده است، چگونه می‌تواند مخاطبانی میلیاردی در جهان پیدا کند؟

چهره

قهرمان ۱۵ ساله ایزدهای

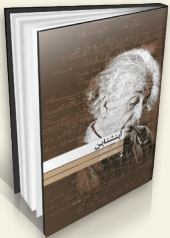
چهارسال از فداکاری نوجوان ۱۵ ساله ایزده که برای نجات جان دوزن دچار سوختگی شدید شد، می‌گذرد. علی‌لندی شجاع و قهرمان، در یکم مهرماه سال ۱۴۰۰ درگذشت. دوهفته پیش از این تاریخ در ۱۸ شهریورماه، خانه همسایه خاله این نوجوان در اصفهان آتش می‌گیرد و او برای نجات مادر و دختر می‌رود، اما آتش‌سوزی آنقدر شدید بود که فقط یک‌نفر از حادثه جان سالم به‌در برد، زن مسن در زمان ورود به بیمارستان از دنیا رفت و علی‌لندی هم پس از دوهفته مبارزه با جراحاتش، درگذشت. این اقدام فداکارانه علی، بازتاب گسترده‌ای در ایران و خارج از کشور داشت و او را به‌عنوان «قهرمان ملی» و «نوجوان فداکار ایزدهای» معرفی کردند. زندگی ساده اما تأثیرگذار علی، الهام‌بخش بسیاری شد. او متولد سال ۱۳۸۵، دانش‌آموز پایه نهم و علاقه‌مند به فوتبال بود که با عمل شجاعانه‌اش، نماد فداکاری و ایثار در جامعه ایرانی شد. مدارس، خیابان‌ها، اماکن ورزشی و ایستگاه‌های آتش‌نشانی نیز در شهرهای مختلف، به‌نام علی‌لندی مزین شدند. حالا هم چهارسال است که او یادآور ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی برای جامعه به‌خصوص نوجوانان است.



کتابخانه

تصویری نو از نابغه بزرگ

کتاب «آینشتاین» نوشته تامس ریکن که به‌تازگی از سوی نشر نورانه بازار شده است، زندگی و ایده‌های آلبرت آینشتاین را نه‌تنها به‌عنوان یک زندگینامه، بلکه از منظر فلسفی و عمیق بررسی می‌کند. ریکن به‌عنوان فیلسوف برجسته علم، در این کتاب تصویری نو و فراتر از کلیشه‌ها از آینشتاین ارائه می‌دهد و به تغییرات بنیادی او در درک ما از فضا، زمان و واقعیت می‌پردازد. این کتاب به‌جای روایت خطی زندگی، روی مبانی فلسفی نظریه‌های آینشتاین مانند نسبیت خاص و عام، مکانیک کوانتومی و نظریه میدان واحد تمرکز دارد و چگونگی تحول دیدگاه‌های او درباره واقع‌گرایی علمی، جبرگرایی و ماهیت توضیح علمی را بررسی می‌کند. همچنین ریکن، پیوند کار آینشتاین را با بحث‌های فلسفی زمانه‌اش و تاثیر فلسوفانی چون کانت، ماکس وبر و کارل نشان می‌دهد. نکته مهم کتاب «آینشتاین»، بررسی شجاعانه نقاط ضعف و مقاومت‌های آینشتاین است؛ از جمله مخالفت‌اش با احتمالات مکانیک کوانتومی و تلاش برای یافتن نظریه‌ای واحد؛ حتی به‌قیمت نادیده گرفتن داده‌های جدید. این کتاب را که یادآور اهمیت فلسفه در کنار علم است، نشر نور در ۵۸۴ صفحه و به‌قیمت ۸۷ هزار تومان منتشر کرده است.



آینشتاین

نویسنده:

تامس ریکن

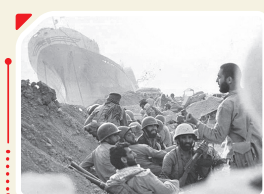
مترجم:

ابوتراب یغمایی

انتشارات: نشر نو

تاریخ

نبرد خرم‌شهر



یکم مهرماه ۱۳۵۹، ۱۲ لشکر عراقی به‌سمت خرم‌شهر روانه شدند. ارتش عراق ابتدا سعی داشت با حمله از سمت غرب خرم‌شهر و از طریق محور شلمچه، این شهر را تصرف کند، اما مقاومت نیروهای مدافع خرم‌شهر، باعث شد نیروهای ارتش بعث سراغ جاده اهواز- خرم‌شهر بروند تا از شمال به شهر حمله کنند. در آن‌ج‌ها هم عراقی‌ها با مقاومت نیروهای ایرانی مواجه شدند. روی‌هم‌رفته خرم‌شهر با ترکیب متنوعی از نیروهای نظامی و مردمی، قریب به ۲۵ روز در برابر ارتش عراق مقاومت کرد؛ گردان دژ نیروی زمینی ارتش که پیش از شروع جنگ در شلمچه مستقر شده بود، به فرماندهی سرهنگ علی قمری، سپاه خرم‌شهر به فرماندهی محمد جهان‌آرا، گردان تکاوران نیروی دریایی ارتش به فرماندهی ناخدا هوشنگ صمدی که اول مهرماه از بوشهر به خرم‌شهر اعزام شده بودند و دریادر دابروش ضرغامی که هفت‌روز بعد به آن‌ها پیوست، تعدادی از دانشجویهای سال‌های دوم و سوم دانشکده افسری ارتش که از هفتم مهرماه به مقاومت خرم‌شهر پیوستند، تعدادی از همافران، در جمداران و افسران هوانیروز که با گردان دژ همکاری می‌کردند و البته نیروهای مردمی.